

کتابخانه مرکزی دانشگاه امام صادق (ع)

شماره ثبت  
۷/۴

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران  
تهران - میدان آزادی

۱۳۷۴ / ۵ / ۱۱

باسمه تعالی

دانشگاه امام صادق (ع)

دانشکده اقتصاد و معارف اسلامی

مبانی نظری سوسیالیسم بازار در نظر مهای اقتصادی

پایان نامه کارشناسی ارشد پیوسته

استاد راهنما : دکتر مسعود درخشان

استاد مشاور

دکتر حمید ناظمیان

نگارش از : محسن طرید طلب حال

دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته

رشته معارف اسلامی و اقتصاد

فروردین ماه ۱۳۷۱

باسمه تعالی

دانشکده اقتصاد و معارف اسلامی مسئول تغذیه که سوسپنده در این پایان نامه اظهار کرده

است ، نمی باشد .

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱-۳۸	مقدمه
۲	فصل اول : چرا بازارها ؟
۸	۱-۱ چرا بازارها
۲۲	۱-۲ محاسن بازارها
۲۷	۱-۳ پارهای انتقادات به بازارها
۳۹-۸۵	۱-۴ نتیجه فصل اول
۴۰	فصل دوم : بازار، سوسیالیسم، اهداف دولتها
۴۲	۲-۱ بازار، سوسیالیسم، اهداف دولتها
۴۷	۲-۲ ارزشها و وسایل
۶۴	۲-۳ روشها و اهداف دولتها
۸۰	۲-۴ نتولیرالیزم و سوسیالیزم بازار
۸۴	۲-۵ دوبرداشت یا یک بینش از سوسیالیزم ؟
۸۶-۱۲۹	۲-۶ نتیجه فصل دوم
۸۶	فصل سوم : برنامه ریزی در اقتصاد مبتنی بر سوسیالیست بازار
۸۸	۳-۱ برنامه ریزی در اقتصاد مبتنی بر سوسیالیست بازار
۹۱	۳-۲ تعاریف و امتیازات
۹۵	۳-۳ توزیع درآمدها و ثروت
۱۱۰	۳-۴ برنامه ریزی در سوسیالیزم بازار
۱۲۷	۳-۵ تجزیه برنامه ریزی متمرکز
	۳-۶ نتیجه فصل سوم

صفحه	عنوان
۱۳۰-۱۷۲	فصل چهارم: سرما یه‌دا ریوا هدا ف‌سوسیا لیسم
۱۳۰	۴-۱ سرما یه‌دا ریوا هدا ف‌سوسیا لیسم
۱۳۳	۴-۲ استثماری
۱۶۴	۴-۳ ملی کردن
۱۶۶	۴-۴ پویا ئی سرما یه‌دا ری
۱۷۳-۱۸۴	نتیجه‌گیری
۱۸۵-۱۹۳	فهرست منابع و مآخذ
۱۸۵	الف - انگلیسی
۱۹۲	ب - فارسی

## مقدمه

وقایع تاریخی برای همه یکسان جلوه نمیکنند ولی روابط بین آنها در هر دستگامی متفاوت است. عده‌ای زمتفکرین اقتصادی کلا" تحول اقتصادی را به تحول شرایط ارجاع میدهند، البته یک حلقه واسطه نیز بین این دو تحول فائند و آن تحول سیاسی است. میگویند: ابتدا شرایط تغییر میکنند آنگاه دستگاه سیاسی عوض میشود و به تبع آن تئورسین ها هماهنگ با شرایط جدید شروع به تدوین تئوری میکنند.

تعیین اینکه در چه زمانی برای اولین بار سوسیالیسم پدید آمد کار آسانی نیست. بنظر برخی ها نظام کمال مطلوب اشتراکی ای که افلاطون در کتاب "جمهوریت" خود به توصیف آن پرداخته، از آنجائیکه طبقه حاکمه این نظام هیچ گونه دارائی و اموال اختصاصی از خود نداشته و تمام چیزها را تقسیم نموده است، نظام سوسیالیستی محسوب میگردد؛ برخی دیگر ادعا کرده اند که تعالیم انجیل، بویژه عهد عتیق، اولین مجموعه قوانین سوسیالیستی را تدوین نموده است از جمله حمایت از کارگران، زنان وضعفـا . .

طبی دوران رنسانس و رفرماسیون (اصلاح مذهبی) تجدید اعتراضات علیه نابرابری در ثروت شروع شد. بحثهای تازه تا حدود زیادی موجب ترکیب ایمان گذشته و تعقل گرائی گردید .

اما اگر ما در تاریخ بدنبال چیزی مشخص تر و واقعی تر از صرف <sup>علیه</sup> اعتراضی مبهم بی عدالتی اجتماعی باشیم در میابیم که سوسیالیزم بعنوان جنبش سیاسی متشکل و موثر، محصول انقلاب صنعتی است. با شروع انقلاب صنعتی و رشد عظیم ماشینیس مشکلات اقتصادی جدید بوجود میآید در سی سال اول قرن نوزدهم یعنی ( ۱۸۳۰ - ۱۸۵۰ ) اروپا با دو مسئله

جسدى مواجه گشت يکى شکل گيرى طبقه کارگر و ديگرى پديده‌اى بنا م فزونى توليد بر مصرف .

مباحث متفکرين کلاسيک قادر به حل اين مشکلات نبود لذا در اين دوران ما شاهد تزلزل و مخالفت با حرفه‌اى اسميت<sup>1</sup> و ريکارڊو<sup>2</sup> هستيم اين مخالفت ها کم کم حالت سازمان يافته‌اى به خود ميگيرد تا اينکسه اينگونه اعتراضات در فرانسه و انگلستان بصورت " سوسياليزم " ظاهر ميشود .

در دوران پنجاه ساله بعد از ظهور ماشينيسم ما شاهد عکس العملهاى احساسى در تفسير عينيات جامعه و راه حل آنها هستيم . در اين برهه از زمان کار سنگين سياسى و احساسى انجام ميگيرد ، اگر اعتراضى بسمت و ريکارڊو واقع ميشود در مقام نفى کلى آن بود چون حرکت احساسى کارى به استدلال ندارد ، بلکه کليت استدلال را فراموش ميکند . از ميان انديشمندان سوسياليزم ، سيمونډي<sup>3</sup> جا يگاه خاصى دارد ، او در کتابى بنا م " اصول تازه علم اقتصاد " مخالفت خود را با گفته‌اى اسميت و استوارت ميل تميزان ميسازد . اشکال او متوجه متولوژى و روش شناسى علم اقتصاد است ، او معتقد است روش علم اقتصاد بايد عوض شود .

---

1- Adam smith ( 1723- 1890)

2- David Ricardo ( 1772- 1823)

3- simonde de sismondi ( 1773- 1842)

4- Nouveaux principes d, e'. p (1819)

از بزرگان دیگر این مکتب میتوان به سن سیمون<sup>۱</sup>، شارل فوریه<sup>۲</sup> و رابرت اوان<sup>۳</sup> اشاره کرد. سن سیمون معتقد بود که مالکیت نقش قاطع در جوامع انسانی دارد و هیچ تغییری در نظام اقتصادی داده نمیشود مگر اینکه در الگوی مالکیت نظام تغییر ایجاد شود، بنظر او سازمان اجتماعی باید به نحوی دگرگون شود که منافع تولید کنندگان تامین گردد و تولیدکنندگان باید سهم واقعی خود را از تولید اجتماعی برداشت کنند و قسم عمده این تولید کنندگان همان کارگران هستند.

رابرت اوان که معمولاً او را بعنوان بنیانگذار سوسیالیسم بریتانیایی میشناسند اولین بارواژه سوسیالیسم را بکار میبرد، بنظر او منافع افراد باید از طریق تعاونی ها حفظ شود، از این لحاظ بعقیده او برای رسیدن به چنین خواسته‌ای میبایست تعلیم و تربیت افزایش یافته و محیط نیز تغییر کند. بعد از مدتی اوان می گوئید چون ما قاصر از تغییر جامعه هستیم لذا میبایست رفع مانع کنیم، بنظر او مانع رشد نرخ سود است که باید آن را از میان برداشت.

فرددیگر شارل فوریه است، به عقیده او رقابت منجر به برقراری بردگی تحت نام مزدگیری میشود. بنظر وی چنین رژیم بیکارها و طفیلیها را می پروراند، در یک دنیای واقعی هیچ کس نباید از گرسنگی بمیرد و هرکس حق دارد در تولید شرکت کند.

1- Henide saint simon ( 1760- 1824)

2- Charles Fouier (1772- 1837)

3- Robert owen ( 1771-1858)

## چهار

اگر انسان نتواند معاش خود را تامین کند شعارهای آزادی، برابری، برادری جز انتزاعات کلی نیستند. باید مردم از یک تضمین حداقل رفاه برای زمان کنونی و آینده برخوردار باشند تا از هرگونه بدغدغه و نگرانی درباره خود و خانواده فارغ شوند. برای این کار فوریه یک رژیم همکاری و تعاون و هماهنگی را پیشنهاد میکند.

در چنین رژیمی منافع جمعی بر آزمندی فردی حکومت دارد، کار دیگری خستگی آور و بیزار کننده نیست بلکه جالب و جذاب است و نتیجه این میشود که هرکس با شادی و صمیمیت سرکار خود حاضر شود نه بانا را احتی و اجبار چنین جامعه ای تعاونی یا فالانتر نامیده شد و فوریه آنرا بسیار تبلیغ میکرد.<sup>۱</sup>

تا قبل از مارکس ما شاهد ظهور مکتب تاریخی هستیم<sup>۲</sup> مکتبی که می گفت میبایست پدیده های اقتصادی را در زمان و مکان خاص خود مورد مطالعه و تفسیر قرار داد و از استنتاجات اقتصادی کلی و انتزاعی پرهیز نمود.

در اوایل قرن نوزدهم یک خط فکری دیگری در بین متفکرین اقتصادی جلوه گر میگردد و آن دخالت مستقیم دولت در تولید و توزیع است، چرا که این تنها دولت است که میتواند حقوق محرومان را حفظ کند. این جریان فکری سوسیالیسم دولتی یا دخالت گرایی<sup>۳</sup> نامیده شده است.

---

Phalanslere محل سکنی و زندگی یک جمعیت تعاونی است که فوریه ۱-

آنرا فالانتر Phalanque نیز نامیده است.

2- Historical school

3- Internationalism or state socialism



معروفترین اقتصاددان این مکتب فردیناند لاسال<sup>۱</sup> است. سیاست اقتصادی وی دخالت شدید دولت در اقتصاد است. لاسال میگفت: باید حق رای برای همه و شرکت‌های تعاونی تولید وجود داشته باشد و این‌ها هر دو بوسیله حمایت شدید دولت به نتیجه برسد. بنظر وی اگر همه مردم جامعه بطور یکسان دانا و توانا و از تربیت برخوردار بودند در آن صورت دخالت دولت لازم نبود. اما در جامعه ای که چنین نیست اگر دولت را فقط در تامین امنیت قرار دهیم در آن صورت نا توان را تسلیم توانگر کرده ایم وی میگوید: تاریخ چیزی جز مبارزه برای آزادی در مقابل ظلم نیست در این مبارزه فرد همواره تنها به پیروزی نخواهد رسید، مگر با اتحاد و این اتحاد را فقط دولت میتواند بوجود آورد. پس هدف دولت زمینه سازی رشد و پرورش انسان بسوی تعالی است.

اوج گرایش‌های دولت‌گرایی در سال ۱۸۷۲ درکنگره ایزناخ<sup>۲</sup> ظاهر میشود و این مسائل در کتابی بنام "مبانی اقتصاد سیاسی"<sup>۳</sup> توسط واگنر<sup>۴</sup> جمع بندی میشود. در این کتاب محور بحث اشکالات رقابت، نابرابری سرمایه داران و کارگران و ضرورت دخالت دولت است. در این کتاب راجع به دولت و مفهوم دولت بسیار بحث شده وی میگوید در بیولوژی هر جا حیات پیچیده‌تر باشد اعضاء آن موجود بیشتر است جامعه نیز هرچه رشد بیشتری یابد سازماندهی آن رشد و پیچیدگی بیشتری میابد و نیاز به هماهنگی بیشتر دارد و این دخالت دولت را میطلبد.

1- Ferdinand Lassale ( 1825- 1864)

2- Eisen - ach ( 1872)

3- Fondements de L Economie politique (1876)

4-A. wagner

بنظر واگنر دولت مانند آدمی است بدون حرص و شهوت، آدمی است به آن درجه از رفعت که با اصل حقیقت مرتبط شده و جز خدا و وجدان چیز دیگری نمی بیند. بنظر او اصل دولت است و باید قلمرو او زیاد شود ولی نباید فرد را فراموش کرد.

ظهور مارکس<sup>۱</sup> و بیان اندیشه های او جایگاهی خاص در تحول و تاریخ اندیشه های سوسیالیستی دارد. بین بحث های او و بحث های مربوط به سوسیالیسم تخیلی تا ایده آلیستها از ملایمترین آنها سیسمونی تا تندروترین آنها لاسال فرقی اساسی است. در تمامی اینها یک ناسزا و پرخاشر تند به صاحبان سرمایه و دستگاه سرمایه داری همراه با تصویری از بی عدالتی ها و امثال اینها، ملاحظه میگردد. که همگی دعوت به اصلاح نظام دارند، بعضی از طبقه کارگر کمک میخواهد مانند لاسال و بعضی دیگر از خود سرمایه داران مانند فوریه و اون و دیگران در مارکس این دو مشخصه ملاحظه نمیشود و اصلاح در نظام را هم نمیخواهد بلکه آنچه را که در نظام سرمایه داری واقع میشود امری صحیح میدانند، همه تحلیلیها از استثمار ناراحت بودند ولی مارکس میگفت: نباید باشد. بنظر او استثمار ضرورت اقتصادی نظام سرمایه داری بوده و نتیجه عملکرد این دستگاه استثمارگر نمیتواند استثمار نشود و سرمایه دار نمیتواند استثمار نکند، اصلاح طلبان راه حل را در اصلاح نظام سرمایه داری دانسته اند در حالیکه مارکس راه حل را در واژگونی نظام میدید.

شاید یکی از جالبترین مباحث تئوری تاریخ عقاید اقتصادی موضوع اقتصاد غرب و کلاسیک ها در مقابل مارکس بوده است. ما رژی نالیستها در واقع عکس العمل نسبت به مارکسیسم می باشد.

1- Karl Marx ( 1818- 1883)

آنها اگر چه توانستند فکر ها را از مارکسیسم منحرف کنند اما نمی‌توانستند عینیات را تغییر دهند . در این بستر است که مفاهیم اقتصاد کلان و - جایگاه کنیز را بهتر میتوان دید و شناخت . .

عقاید مارکس تنها در دو کشور عمده قرن نوزدهم یعنی روسیه و آلمان پا گرفت . در میان پیروان روسی مارکس ، لنین<sup>۲</sup> هم بزرگترین تئوریسین و نظریه پرداز و هم زیرکترین و موثرترین سیاستمدار اهل عمل بود . .

مشکلات عینی و بحرانهای اقتصادی و اجتماعی در نظام روسیه تزاری در اوایل قرن بیستم به اوج خود رسید . رژیم تزاری در هفده مارس ۱۹۱۷ طی یک انقلاب بدون خونریزی واژگون گردید . از این سال به بعد نظام اقتصادی تحت سیستم کمونیستی در پهنای ورتترین کشور جهان به مرحله اجرا درآمد . در این نظام فرض بر این است که مالکیت وسائل تولیدی عمومی است و فعالیت های اقتصادی بصورت متمرکز توسط یک مقام واحد مرکزی رهبری میشود . مقام مزبور دو وظیفه دارد یکی آنکه به تنظیم برنامه ای مبادرت ورزد که همه اجزاء نظام اقتصادی می باید خود را با آن تطبیق دهند و دیگر اینکه نظارت جدی بر اجراء و رعایت موثر برنامه توسط همه افراد و عاملهای اقتصادی در انجام فعالیت هایشان داشته باشند . به این دلیل نظام مزبور را میتوان نظام متمرکز یا نظام برنامه ای نامید . .

هنوز چند صبا حی از اجرای برنامه ریزی متمرکز نگذشته بود که عده ای از متفکرین سوسیالیستی و غیر سوسیالیستی به نظام برنامه ریزی متمرکز اشکال وارد کردند . .

---

1- Jhon Maynard keynés (1883- 1946)

2- Vladimir Ilyich lenin ( 1870- 1924)

فون میزس<sup>۱</sup> در کتابی تحت عنوان اپیستمولوژی یا روش شناسی در اقتصاد دو همچنین در کتاب دیگر خود بنا بر ماسویا لیسیم، یکی از مهمترین اشکالات را بر ماسویا لیسیم برنا می‌آورد و می‌کند از نظریه عقلانی بودن یک نظام اقتصادی در این است که آن نظام رعایت‌کننده اکثر سود را بنماید. بنظر او در یک نظام اقتصادی باید اجزای نظام در چنان روابطی قرار بگیرند که تا حد اکثر سود دست آید و تا آن نظام بتواند کار را بشود. اما چگونه؟ از طریق بهترین نحوه تخصیص منابع کمیاب جهت رسیدن به اهداف. وی می‌گوید ما باید در هر نظام می‌تواند هر مقطع زمانی دو مساله را بررسی کنیم:

۱- وسایلی که در یک زمان معین در دسترس می‌باشد دارای درجات متفاوت کمیابی می‌باشند. بعضی از آنها بطور نسبی کمتر کمیاب ترند و بعضی دیگر بطور نسبی بیشتر کمیاب می‌باشند.

۲- هدفهایی که نیل به آن مورد نظر است می‌تواند به بیش از یک طریق ارضا گردد یا به عبارت دقیق تر با مجموعه‌های مختلفی از کالاها تولید شده‌ا می‌شود. لذا باید روشی را برگزید که بهینه بوده و از منابع کمیاب نسبی در حد اقل خود به حد اکثر نتیجه در هدف برسد.

وی ادامه می‌دهد برای اینکه ما به ما کمترین تولید برسیم و حداقل امکانات را مصرف کنیم باید از کمیابی‌ها و نسبی شناخت دقیقی داشته باشیم. اما این شناخت اگر در بازار آزاد باشد کمیابی نسبی وسایل تولید از طریق مکانیسم قیمت‌ها روشن می‌شود. هر قدر قیمت یک ابزار تولید بیشتر باشد یعنی کمیابی نسبی آن بیشتر است لذا باید از آن کمتر و کار را استفاده کرده. اما در نظامی که نظام بازار حکمفرما نیست و

1- Von mises

برنا مهربزی متمرکز وجود دارد هیچ وسیله‌ای برای اندازه‌گیری کمیابی نسبی نداریم و لذا هیچ معیاری برای اندازه‌گیری کمیابی نسبی و برنا مهربزی تولید و تخصیص منابع نداریم. او ادامه می‌دهد که اقتصاد برنامهای غیر متمرکز غیر ممکن است. واضح است این عدم امکان به این معنی نیست که در عمل نمیتوان جریان تولیدی را بصورت مرکزی اداره کرد به این معنی است که در جریان به صورت مزبور به هیچ وجه نمیتوانند اقتصادی باشد.

"اقتصاددانان دیگر مخصوصاً هایک و رابینس<sup>۱</sup> اگرچه نظرات فون میزس را دربارهٔ محال بودن اداره اقتصادی صحیح از طرف نظام متمرکز قبول داشتند، ولی بطور کلی با استدالات فون میزس موافق نبودند، و استدلال متفاوتی را جایگزین آن ساختند. بنظر آنها اگر اشکال فون میزس در مشخص نبودن قیمت‌های نسبی است، میتوان با ساختن دستگاه تعادلی کالائی به قیمت‌های نسبی غیر پولی رسید. میتوان به یک سیستم بهینه ریاضی که تعادل کالائی را نتیجه دهد رسید.

بنظر آنها دربارهٔ قیمت‌های تعادلی مشخص می‌شود اما گذشت زمان لازم دارد، لذا در این فاصله بهینه‌سازی انجام نگرفته و در نتیجه در همین فاصله سیستم غیر بهینه و غیر کارا را عمل می‌کنند و بنا بر این غیر عقلانی عمل کرده است. بنظرهایک و رابینس حرفهای آنها از لحاظ تئوریک صحیح است ولی در عمل قابل تحقق نبوده چرا که نیا ز مندیک رهبری است و

1- Friedrich A. Von Hayek

تحقق این رهبری غیرممکن است چون حل کردن دستگاه معادلات کوانتومی به گستردگی کل اقتصاد محال است. هیچ رهبری نمیتواند این دستگاه را حل کند و دلالت تکنیکی را ظهور عینی ببخشد. چنانکه ملاحظه میکنیم اشکال فون میزس بیشتر به بعد دایدئولوژی مربوط است در حالیکه اشکال های یک و را بینس به بعد تکنیکی و فنی ربط پیدا میکنند.

به اشکالات فون میزس و های یک و را بینس و افرا دیدگر که نظرات مشابهی بیان داشته اند انتقادات مختلفی وارد آمده است.<sup>۱</sup> در هر حال مشکلات عینی نظام اقتصادی برنامه ریزی متمرکز و تا شیرا فکار اقتصاددانان ما رژیم نیست در حوزه افکار اندیشمندان اقتصادی سبب بروز افکار و عقاید جدیدی گشت.

سوسیالیسم بازار در چنین فضای شکل گرفت. مبتکر این فکر اندیشمند بزرگ لهستانی اسکار لانگه بوده است.<sup>۲</sup> وی نظریات و دیدگاههای گوناگونی در مورد مسائل مختلف اقتصادی مطرح کرده است. اغلب نظریات لانگه متکی بر تجربیات و مطالعات وی میباشد زیرا او و اوایل جوانی خود را با فعالیتهای سیاسی شروع نمود و عملاً "در اتحادیه سوسیالیستی مستقل جوانان لهستان مشغول فعالیت گردیده و سپس در سال ۱۹۴۵ بعنوان اولین سفیر جمهوری خلق لهستان در واشنگتن منصوب گشت. در سال ۱۹۴۶ بعنوان نماینده کشورش در شورای امنیت سازمان ملل متحد عضویت داشته و بعدها به نمایندگی پارلمان و عضو شورای دولتی لهستان انتخاب گردید. با اینکه اکثر اوقات زندگی لانگه را فعالیتهای سیاسی پر نموده بود ولی او تحقیقات و مطالعات علمی هیچگاه

1- Lange, Oskar. the Political Economy of socialism, yalauniversity, press, (1945) p.25-7

2- Oscar Lange (1904-1965)

غافل نبوده و در طی دوران زندگی خود در این زمینه یک تلاشگر بود. از این نظر می‌توان او را یکی از چهره‌های فعال و پرکار در این زمینه دانست.

نظریات علمی لانگه در اوائل، مربوط به مسائل مهم جاری در اقتصاد سوسیالیستی و اقتصاد سرمایه‌داری غرب و برنا مهربی متمرکز اروپای شرقی بود. تحقیقات جدی لانگه در مورد اقتصاد سرمایه‌داری از اوائل جوانی تا اوایل جنگ جهانی دوم بود که زمینه این تحقیقات را موضوع "دوار تجاری"<sup>۱</sup> و رشد سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهد. لانگه به پیوسته علم اقتصاد اهمیت خاصی می‌دهد و در طی مقاله‌های تحت عنوان "دامنه و روش علم اقتصاد"<sup>۲</sup> اظهار نظر می‌نماید که نظریات اقتصادی باید همراه با تغییر شرایط زمانی و مکانی و نیز در اثر تغییر نهادهای جامعه، تغییر یابد تا اقتصاد مفهوم تجربی خویش را از دست ندهد. شاید با این طرز تفکر است که در زمانهای مختلف، نظریات متنوعی را برای زکمرده و حتی در رد بعضی از آنها که در گذشته توسط وی ارائه شده بود با نسی ندارد.

آمد

وی در انتقاد از هابیک و رابینس که در سال ۱۹۳۶ بعمل می‌گوئید: در اصل این نظر را قبول دارم که حل عملی یک دستگاه معاملات که بیان کننده تعادل عمومی اقتصادی باشد قابل حصول نیست. اما یک راه حل بینابینی وجود دارد و آن این است که ما نظام برنامهای متمرکز را به

۱- تز دکتری لانگه در مورد ادوار تجاری اقتصاد لهستان (۱۹۲۷-۱۹۲۳) است.

2- Lange, Oskar, "Political Economy" Yale university